

همگرایی مذهبی و امت واحده اسلامی در سکوت، صلح و قیام ائمه(ع)

حفظ میراث پیامبر به هر قیمتی

✚ دکتر محسن الویری
عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم(ع)

✚ همگرایی مذهبی

شاید بتوان در یک نگاه کلی، دو روش برای پرداختن به موضوع همگرایی مذهبی در سنت و سیره معصومان(ع)



برشمرده: ۱- روش ایجابی که همان اثبات ضرورت همگرایی مذهبی بدون توجه به پرسش‌ها و شبهات موجود است. ۲- روش نقضی که پاسخ به پرسش‌ها و شبهات موجود است که در این نوشتار به روش اول و با تکیه بر سیره معصومین(ع) می‌پردازم.

✚ «امت» یک مفهوم قرآنی

این پاسخ ایجابی، مسئله‌ای است به نام امت، قرآن مفاهیمی را به ما عرضه کرده است که برخی از این مفاهیم پیشینه‌ای نداشت، یکی از این مفاهیم، واژه امت است؛ شاید عمیق‌ترین و گسترده‌ترین و همه‌جانبه‌ترین مفهوم اجتماعی که از قرآن برداشت می‌شود همین مفهوم امت است.

✚ تشکیل «امت واحده» از سوی پیامبر (ص) در مدینه

مفهوم امت در تفکر اسلامی آن‌قدر اهمیت دارد که پیامبر (ص) کوشیدند به آن تحقق و عینیت ببخشند و سیره ائمه (ع) هم تلاش برای حفظ این میراث نبوی بوده است، اگر ما از این منظر به همگرایی مذهبی نگاه نکنیم، دچار چالش‌هایی می‌شویم که بی‌جواب خواهد ماند، نگاه ما به امت و همگرایی اجزای آن نگاه به میراث نبوی است که باید به هر قیمتی حفظ شود. به محض این‌که پیامبر (ص) فرصت اداره جامعه را یافتند، جامعه جدید را بر اساس این مفهوم سامان دادند؛ در مکه امکان تأسیس جامعه دینی وجود نداشت و آموزه‌های اسلامی در مکه ناظر به افراد بود، چون شرایط تشکیل حکومت در مکه مهیا نبود، پیامبر(ص) شروع به جست‌وجو برای مکان جدیدی کردند و به‌این‌ترتیب یرثب زادگاه اجتماع اسلامی شد.

✚ «امت»، یک فراهویت

امت هویتی جدید به اعضایش می‌دهد، ولی هویت‌های فردی از بین نمی‌روند، اسلام حتی اگر بخواهد هم نمی‌تواند هویت‌ها را از بین ببرد، یکی عرب و یکی فارس است، نژاد را که نمی‌توان یکی کرد؛ هویت‌های فردی از بین نمی‌روند و اسلام هم نمی‌خواهد که آن‌ها از بین بروند ولی هویت‌های متفاوت نژادی و زبانی و غیره، زیر چتر هویت عامی به نام اسلام، همگرا می‌شوند.

تکثر را پیامبر (ص) به رسمیت شناخت و عهدنامه را بین این هویت‌ها برقرار کرد، «امت» یک فراهویت است که چتر هویتی گسترده ولی از بین برنده هویت‌های دیگر نیست.

البته نباید این تکثر با پلورالیسم اشتباه شود، در پلورالیسم می‌گویند همه این‌ها درست است و صراط‌های مستقیم داریم؛ هر کسی یک‌جوری می‌فهمد و همه هم درست می‌فهمند. لازمه

پلورالیسم بی‌معنایی نقد سخن نادرست و تبلیغ سخن درست است ولی در تکثر معرفتی که پدیده‌ای واقعی است، اصلاً رخدادش به دست ما نیست. ما اعتقاد به درستی یک فهم و نادرستی دیگر فهم‌ها داریم، هر کس اعتقاد دارد که حرف خودش درست است، هر چند احتمال می‌دهد یکجاهایی درست نفهمیده باشد لذا با رعایت آداب گفت‌وگو و منطق، هر کس سعی می‌کند حرف دیگری را نقد کند یا اگر نتوانست آن را بپذیرد. پس پیامبر (ص) مفهوم دینی امت را در عالم بیرون محقق کرد، رفتار یکایک ائمه (ع) از لحظه رحلت نبی (ص) تا آغاز غیبت صغری و بلکه تا پایان غیبت صغری، در مسیر حفظ موارث پیامبر (ص) بوده است. بعد از ائمه (ع) هم علمای تراز اول ما تا زمان حمله مغول (علامه حلی) همه در همین مسیر حرکت کردند، یک نوع اجماع عملی (نه به معنای دقیق اصولی)، از غیبت صغرا تا حمله مغول وجود دارد که رمزگشایی از سیره اهل بیت (ع) هم می‌تواند بکند، لذا علما هم تداوم بخش این سیره بوده‌اند و آن حفظ «امت» به‌عنوان یکی از موارث نبوی است.

✚ مواضع اهل بیت (ع) در موضوع همگرایی با تأکید بر حفظ «امت»

بعد از پیامبر (ص) همه‌چیز از دست نرفت، اصلاً این حرف یعنی متهم کردن پیامبر (ص) به ناتوانی. پیامبر (ص) کاری کرد که هیچ‌کدام از بنی‌امیه و بنی‌عباس نتوانستند این درخت را کاملاً بیندازند.

✚ امیرالمؤمنین(ع)؛ گذشتن از خلافت برای حفظ امت

اگر بخواهیم به‌اختصار تمام مواضع اهل بیت (ع) را در موضوع همگرایی مذهبی تعقیب کنیم، ابتدا باید از عصر امام علی (ع) آغاز کنیم، در زمان ایشان، نخستین و مهم‌ترین بحث، همان ماجرای خلافت و سقیفه است. امام(ع) عباراتی دارند در تحلیل این‌که چرا من در برابر سقیفه ساکت ماندم. اعتقاد ما که خلافت از آن فرد شایسته یعنی علی (ع) بود و پیامبر(ص) هم ایشان را نصب کرده بودند، عوض نخواهد شد. این تهمت درست نیست که تقریبی‌ها ولایتشان ضعیف است، بلکه به دلیلی که به آن اشاره خواهیم کرد غیر تقریبی‌ها ولایتشان ضعیف است؛ ما همه‌جا با سر بلند ولی با نهایت احترام از این عقیده دفاع می‌کنیم ولی نکته‌ای داریم که تا کجا می‌توان از این حق دفاع کرد؟ از علی (ع) که شیعه‌تر نداریم، خود ایشان تا جایی از ولایت دفاع می‌کنند که مفهوم امت آسیب نبیند.

در مکاتیب الاثمه (ع)، ج ۱، ص ۶۸۲ مکاتبهای جالب بین امیرالمؤمنین (ع) و معاویه آمده است که حضرت خطاب به معاویه می‌فرماید پدر تو در

سقیفه سراغ من آمد که با من بیعت کند و این من بودم که دعوت او را رد کردم، تو که اکنون در حق خلافت با من منازعه می‌کنی پدرت چنین ادعایی نداشت. حضرت در اینجا در مورد دلیل رد کردن پیشنهاد ابوسفیان دو دلیل می‌آورند: ترس از تفرقه و تبدیل اسلام به کفر، البته این ترس بی‌مبنا نبود، ترس واقعی بود؛ خوف عقلایی چنددستگی مسلمانان در کنار ترس از دست رفتن اسلام باعث شد امیرالمؤمنین (ع) از حق خود دست بکشد. مفهوم امت، چنان اعتباری دارد که ایشان از دفاع از حقانیتشان در خلافت هم به این خاطر دست برمی‌دارند، پس حفظ امت که میراث نبی (ص) است، خیلی مهم است در حدی که دیگر امور سیاسی و اجتماعی در پرتو آن معنادار می‌شود. پس از امیرالمؤمنین (ع)، موضع حضرت زهرا (س) را بررسی می‌کنیم، شاید تصور شود ایشان بر این مسیر نرفتند و خلاف آن عمل کردند ولی این درست نیست؛ هر کسی در جایگاه خودش تا مرز تفرقه در امت از ولایت دفاع کرد، اگر کسی با دفاع خود تفرقه‌ای ایجاد نکند، باید دفاع کند و نباید بگذارد حداقل این حق مکتوم بماند.

ما هم همین‌الانمی‌گوییم از لحاظ علمی در اثبات تشیع کتبی مانند «الغدیر» باید ادامه پیدا کند، در بحث علمی باید این چراغ افروخته بماند تا حق کتمان شده نماند؛ آیات قرآن به‌صراحت بیان می‌کند که اگر کسی حق را کتمان کند مورد لعنت قرار می‌گیرد، کتمان حق چیز دیگری غیر از تقریب است.

این مرزها خیلی وقت‌ها خلط می‌شود، مفهوم تقریب به معنای دست برداشتن از اساس ولایت و امامت نیست بلکه باید مفهوم درست ولایت و امامت را به‌خوبی تبیین و ابلاغ کنیم. نقش حضرت زهرا (س) به‌هیچ‌وجه نقشی واگرایان و مخالف اتحاد امت هم نبوده است، اگر ایشان بیش از این قدم برمی‌داشتند، مرز به هم می‌خورد؛ ولی علی (ع) و حضرت زهرا (س) علیها نقشی مکمل هم داشتند که هم چراغ حق خاموش نشود و هم تفرقه در امت ایجاد نشود.

✚ صلح امام حسن (ع) و گذشتن از حق درباره صلح امام حسن (ع) حرف‌های مختلفی هست، من حرف‌های دیگر را رد نمی‌کنم، «حقنا لدماء شیعتنا» هم به‌عنوان یکی از ادله صلح درست است و این دلیل صلح هست ولی این نکته را هم باید فراموش نکنیم که یکی دیگر از ادله صلح، حفظ امت بوده است.

ما در اساس حق که هیچ‌کدامان شک نداریم، از اصل این حرف که معاویه در حق منازعه کرد که متعلق به امام حسن (ع) بود به‌صورت علمی و با ادبانه هرگز عقب نمی‌نشینیم، ولی آنچه مهم است،

این صلاح امت باعث گذشتن از حق امام حسن(ع) شد؛ با این صلح، جامعه دوباره از تفرقه نجات یافت و به انسجام رسید. این امت که تا این حد برای امام حسن (ع) مهم است، مفهومی نبود که معاویه درست کرده باشد یا مردم ایجادش کرده باشند، این همگرایی و اصلاً این واژه، مفهومی قرآنی و دینی بود و. امام حسن(ع) به خاطر اهمیت اهم یعنی مفهوم «امت» از مهم می‌گذرد. امام باقر(ع) در این روایت که مرحوم مجلسی در ص ۵۲ ج ۴۴ بحارالانوار ذکر کرده است به‌خوبی به این نکته اشاره فرموده‌اند: «خیر آنچه امام حسن(ع) انجام داد، برای امت از آنچه خورشید بر آن بتابد بیشتر بود.»

✚ اصلاح «امت»، هدف قیام امام حسین(ع)

در مورد امام حسین (ع) هم همین است که فرمودند: «انما خرجت لطلب الاصلاح فی امة جدی». یعنی یک‌چیزی به نام امت وجود دارد، این که قیام کرده‌ام به خاطر اهداف خرد نیست بلکه آمده‌ام مفهوم امتی که جدم ایجاد کرد و پدرم و مادرم و برادرم در جهت صلاح آن تلاش کردند و خود من هم تا زمانی که معاویه زنده بود، مثل برادرم رفتار کردم را دوباره مانند اسلافم اصلاح کنم و صلاح آن را بخواهم. شهادت امام حسین (ع) هرگز تفرقه‌ای ایجاد نکرد که امت اسلامی را چندتکه کند.

✚ امام صادق (ع) و حفظ انسجام امت اسلامی

امام صادق در دوره‌ای می‌زیستند که به خاطر بسط یدی که ائمه (ع) پیدا کردند، قابل توجه است؛ در دوره خلفا همه‌چیز از دست نرفت، احادیث اهل بیت (ع) و مکتب اهل بیت (ع) چگونه به دست ما رسیده است؟ مگر نه این‌که این میراث گران‌قدر از خلال همین ادوار تاریخی به دست ما رسیده است؟ در عصر امام صادق (ع) بعد از یک دوره فشار و خفقان بعد از واقعه شهادت امام حسین(ع) و ماجرای حره، شیعیان به بازسازی هویت شیعی روی آوردند، امام صادق(ع) روح حاکم بر سخنانشان همان مسیر قبلی یعنی حفظ امت به‌مثابه یک میراث نبوی است.

✚ ولایت غیرتقریبی‌ها ضعیف است، نه تقریبی‌ها!

حال اگر ما به‌راستی پیرو این امامان که اسوه‌های جاوید بشرند هستیم، باید در همه ابعاد و جنبه‌ها پیرو آن‌ها باشیم حتی در چگونگی دفاع از آن‌ها، خیلی از کسانی که با توجیه دفاع از ولایت، به اهل سنت و مقدسات آن‌ها اهانت و سب می‌کنند، باید به آن‌ها بگوییم اگر من شیعه‌ام، باید در همه زندگی‌ام پیرو اهل بیت (ع) باشم. مستند این شیوه دفاع از اهل بیت در سیره اهل بیت کجا است؟ این شیوه کاملاً من‌درآوردی است و مُلهم از سیره و سنت نیست، این جزء جزء شدن در ولایت‌پذیری است و ما این را قبول نداریم، شما در همه‌چیز باید پیرو اهل بیت باشید. چرا شیوه دفاع از اهل بیت(ع) را از خود اهل بیت(ع) نمی‌گیرید؟